

تالش منطقه ای در جمهوری آذربایجان

سرپیس آذربایجان / خبرگزاری آران
خبرگزاری آران / سرپیس آذربایجان :
دکتر بهرام امیراحمدیان

این منطقه در منتهی الیه جنوب شرقی جمهوری آذربایجان واقع شده است. از شمال شرقی به جلگه گر- ارس و از شرق به دریای خزر محدود می شود و از جنوب و غرب با ایران همسایه است. مساحت آن 200، 5 کیلومترمربع است و از شش ناحیه روستایی به نامهای لنکران (مرکز منطقه)، جلیل آباد، ماسالی، آستارا، لریک و یاردیمی تشکیل می شود. در 1370 ش / 1991، جمعیت این منطقه حدود 600، 631 تن بوده است. تالش در منطقه مرطوب جنب مداری قرار دارد (< جغرافیای اقتصادی و اجتماعی جمهوری آذربایجان >، ص 151). به لحاظ ناهمواری، این منطقه به ناحیه جلگه ای لنکران و ناحیه کوهستانی تالش تقسیم می شود (بوداگف و غریبلی، ص 165). ناحیه جلگه ای لنکران. اقلیم این ناحیه خشک و معتدل، و میانگین دمای سالانه آن 14° است (همان، ص 163). این ناحیه به سبب تراکم شبکه رودها با دیگر نواحی آذربایجان تفاوت دارد. رودهای آن اغلب از آب برف تغذیه می شوند، از کوههای تالش سرچشمه می گیرند و پس از آبیاری زمینهای کشاورزی دشتها به دریای خزر می ریزند (< نقشه تفصیلی جغرافیای عمومی جمهوری آذربایجان >، 1992). در نواحی پایکوهی، جنگلهای پهن برگ در خاکهای زرد گسترده شده اند. در جنگلهای این ناحیه حدود 150 گونه درخت هست که از آن میان 36 گونه بومی منطقه اند. منطقه حفاظت شده «هیرکان» که در ناحیه ایجاد شده مجموعه ای از درختان کمیاب را در خود جای داده است (د. آ.، ج 9، ص 134). این ناحیه از نظر طبیعی برای پرورش باغهای چای، مرکبات و میوه و محصولات جالیزی بسیار مناسب است (همان، ج 9، ص 135). منابع معدنی زیرزمینی منطقه اقتصادی لنکران اندک است. سنگهای رودخانه ای، شن، خاک رس، و ماسه به عنوان مصالح ساختمانی دارای اهمیت اقتصادی است. چشمه های آب گرم لنکران (مشته سو) و گروه «ماسالی» معروف اند. سواحل ماسه ای کنار دریای خزر، چشم اندازهای زیبای طبیعی، آبهای معدنی و آبهای گرم، اقلیم مناسب و شبکه های گسترده حمل و نقل ناحیه، برای ایجاد مراکز گردشگری اهمیت بسیاری دارند. در حال حاضر، مرکز گردشگری لنکران و مرکز درمانی مشه سو فعالیت دارد (< جغرافیای اقتصادی و اجتماعی جمهوری آذربایجان >، ص 151-152). ناحیه کوهستانی تالش. این ناحیه از مشرق به جلگه لنکران و از مغرب تا قله های قیزوردو (ارتفاع: 400، 2 متر) و کومورکوی (ارتفاع: 477، 2 متر) کشیده شده است. به طرف شمال شرق، بتدریج از ارتفاع کاسته می شود و رشته کوههای کم ارتفاع «پشت سر» و سپس رشته کوه «بورو وار» جایگزین کوههای مرتفع می شوند (بوداگف و غریبلی، ص 167). چاله های وسیع بین کوهی، رشته کوههای بورو وار و پشت سر را از هم جدا می سازد. در دامنه ها مواردی از رانش کوه دیده می شود (همانجا). در این ناحیه سنگ بنا، رس، چشمه های معدنی آب گرم و سرد فراوان است. «قطور سو»، «ارکیوان»، «آستارا»، «دونوز ئوتن»، «آشاغی» و «آق کورپو» از چشمه های معروف آن است (همانجا).

در نواحی کم ارتفاع، در سراسر سال هوا گرم و مرطوب است. در کوههای پشت سر در تابستان اقلیم زودگذر خشک و گرم و مرطوب، در اطراف کوه کومورکوی اقلیم تابستانی خشک و نیمه بیابانی سرد و نیمه بیابانی خشک تسلط دارد (همانجا). میانگین دمای سالانه بین صفر تا چهارده درجه در نوسان است. در نواحی پایکوهی سالانه هزار تا 400، 1 میلیمتر و در نواحی کوهستانی با ارتفاع متوسط بین دویست تا سیصد میلیمتر باران می بارد. تعداد روزهای برفی در کوهستانها 120 روز و در پایکوهها بیست روز است (همان، ص 168). ساکنان کوههای تالش از نظر طول عمر در دنیا معروف اند؛ شیرعلی مسلم اف 163 ساله در دهه 1350 ش / 1970 در این ناحیه می زیست. بلوط، ممرز، زیزفون، راش شرقی، افرا، مخمری، خرما، قفقازی، شمشاد، پوشش گیاهی این ناحیه را تشکیل می دهد. اراضی جنگلی را چمنزارهای بوته ای تئک و دشتهای چمنی پوشانده است. جوجه تیغی، خوک وحشی، گوزن، ببر، سنجاب جنگلی، گربه جنگلی و دله کوهی در جنگلهای یافت می شود. در زمینهای پایکوهی و دامنه ها گیاهان جنب مداری، همچون غلات و توتون کشت می شود. باغداری و پرورش دام نیز رواج دارد. در دامنه کوهها و در پیرامون جنگلهای طبیعی و چمنزارها، مساحت زیادی به باغ میوه، تاکستان و زمینهای کشاورزی اختصاص داده شده است (همانجا)

جنگلهای منطقه تالش عمدتاً در کوههای تالش است و قسمتهایی از جلگه لنکران را نیز می پوشاند. این جنگلهای که تا ارتفاع 200، 2 متری از سطح دریا گسترده شده است، حدود 150، 000 هکتار مساحت دارد. از جمله رستنیهای آنجاست: درخت آهن، بلوط، افاقای ابریشمی، شمشاد هیرکانی، گردو، انجیر هیرکانی، آلوچه، ازگیل، زالزالک، انار و شمشاد کولخیسی. ارتفاعات در گسترش جنگلهای کوهستانی تالش، تأثیر داشته اند و نوارهایی (زونهایی) به وجود آورده اند. این نوارها به نواحی دشتی، پایین کوهی، میان کوهی، بالا کوهی، نیمه آلبی و چمنی - کوهی تقسیم می شوند. هر نوار دارای پوشش گیاهی ویژه خود است. در نواحی دشتی توسکا، بلوطهای شاه بلوطی برگ، درخت آهن و در نوار جنگلی بالا کوهی، شاه بلوط شرقی و افرا و ممرز درختان غالب را تشکیل می دهند (د.آ.، ج 9، ص 134-135). وضع کنونی منطقه تالش. این منطقه مرزی پیش از فروپاشی شوروی با دنیای خارج بی ارتباط بود و این وضع بر توسعه اقتصادی و اجتماعی آن تأثیر منفی گذاشت. اگرچه مبادله کالا بین ایران و شوروی از مرز آستارا صورت می گرفت، هماهنگیها در مسکو انجام می شد. پس از استقلال آذربایجان، محدودیت مرزی آن برطرف شد و مبادلات اقتصادی با ایران گسترش یافت. مبادله کالا و آموشد مسافر از آذربایجان به جمهوری خودمختار نخجوان و با دنیای خارج نیز رو به توسعه است (< جغرافیای اقتصادی و اجتماعی جمهوری آذربایجان >، ص 151-152).

حدود یک پنجم ساکنان منطقه در نقاط شهری و بقیه در روستاها زندگی می کنند. این منطقه 620 نقطه روستایی دارد (همان، ص 152). اکثر جمعیت آن تالشی اند ولی در اسناد رسمی و دولتی آذربایجان آذری قلمداد می شوند و بنا به اطلاعات منتشر شده، مقامات دولتی 98% مردم منطقه را آذربایجانی می دانند (همان، ص 151). ساکنان منطقه را تالشها، آذربایجانیها، روسها و ارمنیها تشکیل می دهند. به نوشته ژاک دو مورگان، باستان شناس فرانسوی که در 1307-1890/1308 در این منطقه تحقیقات میدانی کرده است، تالشها بخش اعظم ساکنان منطقه را تشکیل می داده اند و آشکارا خصایصی ایرانی داشته اند (ج 1، ص 304-303). به نوشته آکینر در اوایل دهه 1310 ش / 1930 چند نشریه به گویش تالشی در این منطقه منتشر می شد. در 1332 ش / 1953 دستور زبان تالشی و در 1355 ش / 1976 واژه نامه تالشی - روسی به چاپ رسید. استفاده از گویش تالشی به عنوان زبان ادبی پس از جنگ جهانی دوم منسوخ شد. اکنون بیشتر تالشها به ترکی آذربایجانی سخن می گویند و همین زبان در مدارس آنها تدریس می شود. در مطبوعات و رادیو هم از این زبان استفاده می شود (آکینر، ص 331). بیشتر ساکنان این منطقه، فعالیت توأم کشاورزی و صنعتی دارند. اقلیم ملایم و گرم، خاک حاصلخیز و آب و نیروی انسانی کافی، برای توسعه کشاورزی در این منطقه امکان مطلوبی فراهم آورده است. کشت برنج در تالش دارای سابقه ای دیرینه است (قولی یف، ص 12-15). تولید ابریشم نیز یکی از فعالیتهای اقتصادی مردم در منطقه بوده و ابریشم آنجا به خارج از منطقه صادر می شده است (ولی یف، ص 14-15، 18). کشت سبزی، چای، انگور و غلات در آنجا رواج دارد. حدود 90% از چای تولیدی جمهوری، بیش از نیمی از محصول سبزی و جالیزی و 20% از محصول انگور جمهوری در این منطقه تولید می شود (< جغرافیای اقتصادی و اجتماعی جمهوری آذربایجان >، ص

152-153). تالش، منطقه پرورش مرکبات جمهوری آذربایجان است و در قسمتهای جلگه ای آن لیمو، نارنگی، پرتقال، فیخوآ، تانگ و برگ بو (درخت غار) پرورش داده می شود. تعاونی پرورش گل نیز در این منطقه فعالیت دارد. صید ماهی از آبهای ساحلی خزر نیز از مشاغل اهالی است (همان، ص 154). این منطقه پیش از فروپاشی شوروی، سبزی و محصولات جالبی مرزهای شمالی را تأمین می کرد و به «جالبی اتحاد شوروی» معروف بود. در بخشهای جلیل آباد و لریک نیز با کاهش اراضی زیرکشت انگور — که در دوره شوروی برای تولید شراب بر مساحت آن افزوده می شد — کشت غله گسترش یافته است. به علت کمبود اراضی کشاورزی، در نواحی هموار به توسعه دامداری در طولها و در نواحی کوهستانی به دامداری در چراگاهها اولویت داده می شود (همانجا).

حدود 90% از صنایع در این منطقه به تولید مواد غذایی اختصاص دارد، از جمله صنایع فرآوری ماهی (نریمان آباد، لنکران) و چای (لنکران، آستارا و ماسالی) و کنسرو میوه و سبزی (لنکران و ماسالی) و شراب (جلیل آباد، لنکران) و توتون (ماسالی). صنایع شیر، گوشت، پنیر و تولید نان نیز در بخش صنایع غذایی فعالیت دارند. در این منطقه مصالح ساختمانی و مبل نیز تولید می شود (همانجا). تالشها در بافت قالی مهارت دارند، بویژه در بافتن «کناره تالشی» که قالیچه ای بلند و باریک با نقوش خاص است، شهرت دارند (آکینر، ص 330-331).

راه آهن باکو - آستارا و به موازات آن جاده آسفالت در حمل بار و مسافر اهمیت بسیار دارند. فرودگاه لنکران امکان برقراری پروازهای محلی و ارتباط با سایر شهرهای جمهوری را فراهم می سازد. برای توسعه کشتیرانی در دریا نیز امکانات فراهم است. از این منطقه محصولاتی چون تره بار و شراب و انگور صادر، و کود و ماشین آلات و فرآورده های نفتی و محصولات جنگلی وارد می شود. در سالهای اخیر در نتیجه افزایش سطح آب دریای خزر، بسیاری از اراضی نواحی ساحلی منطقه را آب فرا گرفته و به مناطق روستایی و ساختمانی، تأسیسات صنعتی، و راهها خسارات زیادی وارد آمده است. در توسعه اقتصادی منطقه، شهر لنکران اهمیت بسیاری دارد (< جغرافیای اقتصادی و اجتماعی جمهوری آذربایجان >، ص 151-156).

پیشینه تالش ایران و جمهوری آذربایجان. ظاهراً منطقه تالش محل استقرار قوم کادوس بوده است (دیاکونوف، ص 82). زمینهای کادوسیان* در زمان آستیاک و کوروش در کوههای جنوب دریای خزر بود (همان، ص 35). کسروی واژه تالش را شکل تغییر یافته واژه کادوس / کادوش دانسته است (ص 424-425). در دوره مادها، کادوسیان مستقل بودند و در منطقه خود به شکل جماعتی بدوی زندگی می کردند و از راه شکار و دامداری روزگار می گذراندند (پیرنیا، ج 2، ص 1128-1129). تالش یکی از کهنترین مراکز تمدنی در پیرامون دریای خزر است و در آن تمدنی باستانی به نام «تمدن تالش - مغان» متعلق به دوره پایانی عصر مفرغ و دوره آغازین عصر آهن (سده 7-14 ق م) شناسایی شده است. این تمدن را نخستین بار در 1890/1308 ژاک دو مورگان، در ناحیه لریک در روستاهای کوهستانی بررسی کرد. در 1901/1319 نیز وی و برادرش هنری آثار به دست آمده از گورستانهای باستانی تالش را بررسی کردند. در قسمتهای کوهستانی، گورهای سردابی و در زیر آن تابوتهای سنگی وجود دارد. در گورها مرده ها به صورت گروهی، زوجی یا تک تک (بنابر فقر یا ثروت آنان) اصولاً به صورت نشسته و برخی به صورت درازکش دفن شده اند (د.آ.، ج 9، ص 136). برخی از اشیای کشف شده متعلق به این تمدن عبارت اند از: شمشیرهای بلند مفرغی و آهنی با تیغه های چهار وجهی و شمشیرهایی با دسته های رگابی شکل، چندین خنجر و تبر و پیکان و سرنیزه، ظروف گلی عمدتاً بدون لعاب و نقش، ظروفی شبیه به قوری، قدهای پایه دار با دو دسته که شباهت بسیاری به ظروف گلی تمدن کرت - مکیئا (تمدن اژه) دارند (همانجا). برخی از علایم اشیای باستانی به دست آمده از تمدن تالش - مغان، بیش از شباهت به تمدنهای هم عصر در قفقاز و پیرامون، به تمدن آسیای غربی شباهت دارد که نشان می دهد طوایف محلی با آسیای غربی (مانند سوریه و فلسطین) و با نواحی اطراف دریای مدیترانه ارتباط گسترده ای داشته اند. در قلمروهای کوهستانی اهالی به دامداری و در نواحی هموار و دشتهای به زراعت مشغول بوده اند. تولید مصنوعات فلزی بسیار پیشرفته بود. باستان شناسان، تالش را یکی از پنج ناحیه مهم ذوب فلزات قفقاز می دانند. سفالگری و بافندگی در آنجا بسیار گسترش یافته بود (همان، ج 9، ص 136).

در ربع آخر قرن هفتم و نیمه قرن ششم پیش از میلاد، تالش در قلمرو دولت ماد بود. در دوره آلبانیای قفقاز، کاسپیها در این منطقه ساکن بودند. تالشها در قرن چهارم پیش از میلاد به اطاعت از کوروش گردن نهادند (دیاکونوف، ص 607-608). در قرن سوم پیش از میلاد تالش در قلمرو ایالت کاسپیانا و در ترکیب آلبانیای قفقاز قرار داشت. از قرن سوم تا هفتم میلادی تالش در ترکیب دولت آتروپاتن جزو قلمرو ساسانیان و از قرن دوم / هشتم نیز در ترکیب ایالت کاسپیانای آلبانیا بود. در دوره حکومت مسلمانان، تالش جزو ایالت موغان / مغان آذربایجان بود. در نیمه دوم قرن سوم و چهارم / نهم و دهم تالش در ترکیب روادیان، ساجیها و سالاریها قرار داشت. از قرن پنجم / یازدهم تا نیمه دوم قرن ششم / دوازدهم تالش در ترکیب دولت روادیا بود. ایلدگیزها از 530 تا 622 / 1136-1225 تالش را در تصرف خود داشتند. در قرن هفتم و هشتم / سیزدهم و چهاردهم این منطقه تحت حکومت جلایریان، و در قرن نهم / پانزدهم جزو قلمرو قراقویونلوها بود (< نقشه های تاریخی آذربایجان >، 1994؛ < اطلس جمهوری آذربایجان شوروی >،

1963). تالش از دوره صفویه (906-1135) تا اواسط دوره قاجاریه در کنار دیگر مناطق قفقاز در قلمرو دولت ایران بود (رجوع کنید به ادامه مقاله). تالشها که بیشتر ساکنان این منطقه را تشکیل می دهند، از نسل قبایل بومی ساکن زاویه جنوب شرقی جمهوری آذربایجان و نواحی مجاور آن در استان اردبیل و گیلان اند. این قوم نشان دهنده اختلاط عناصر قفقازی و ایرانی است. صدها سال منطقه آنان صحنه پیکار امپراتوریهای رقیب بوده است. در سده دوازدهم / هجدهم عثمانی و روسیه و ایران بر سر مالکیت قفقاز جنوبی، و از جمله تالش، با یکدیگر در جدال بودند (آکینر، ص 330).

ظاهراً با استفاده از موقعیتی که بر اثر ضعف حکومت مرکزی ایران به وجود آمده بود، در اواسط قرن دوازدهم / هجدهم در تالش «خانات تالش»* به وجود آمد. این خانات با گیلان، اردبیل، قره داغ و خانات جواد و سلطانات سالیان هم مرز بود. مرکز خانات ابتدا آستارا بود و بعدها شهر لنکران شد (د.آ.، ج 9، ص 135). پس از مرگ نادرشاه در 1160، تعدادی خان نشین کمابیش مستقل نظیر خانان قوبه، باکو، شماخی، قره باغ و گنجه در تالش تشکیل شد. در میان این خانان، خانان تالش هم به رهبری زمامدارانی با عنوان «حاکم» به وجود آمد. این خانان با هم متحد نبودند و همچنانکه با قدرتهای خارجی می جنگیدند در میان خود نیز ستیز داشتند. تا 1805 / 1220 تعدادی از آنها تحت الحماگی روسیه را پذیرفتند (آکینر، همانجا).

در نتیجه جنگهای ایران و روس و امضای عهدنامه گلستان* (1813 / 1228) و ترکمانچای* (1828 / 1243)، بخشی از تالش در کنار دیگر مناطق قفقاز از ایران جدا شد و به روسیه پیوست. مردم مسلمان تالش که از این جدایی ناراضی بودند، ناراضیتی خود را به صورت قیامهای پراکنده نشان می دادند. در 1831 / 1247 ساکنان منطقه علیه مأموران تزاری و فنودالهای محلی قیام کردند. خودسریهای مأموران حکومتی تزار بویژه فرماندهان نظامی محلی، ستم فنودالهای محلی، دشواری زندگی دهقانان، برقراری انواع مالیاتها، در تنگنا قرار دادن بیکهای تالش و ناراضی نایبان و روحانیان سبب بروز ناراضی مردم و آغاز قیام شد. میرحسن خان (خان تالش که در 1826 / 1241-1242 تحت تعقیب ایلینسکی، فرمانده ایالت، قرار داشت و به ایران پناهنده شده بود) به رهبری این قیام برگزیده شد. شورشیان، آبادی عنبران را — که اکثر اهالی آن در دوره حکومت خان پیشین از رعایا و خدمتگزاران میرحسن خان بودند — پایگاه مقاومت خود کردند. در رمضان 5 / 1246 1831 مارس میرحسن خان با بیست سوار مسلح از مرز گذشت و به سوی کوههای تالش رهسپار شد. هنگام نزدیک شدن وی به لنکران عده ای از اهالی لنکران و دریق و آلار به او پیوستند. شورشیان قسمتهای بسیاری از خانان را تصرف کردند، ولی عده ای از اهالی در این قیام شرکت نکردند و برخی از بیکهای محلی، همچنین ساکنان لنکران و روستاهای حومه آن مسلحانه به نفع روسها وارد نبرد شدند. در چهاردهم مارس بیش از هشتصد تن از شورشیان تصمیم گرفتند قوای روس را در تنگنا قرار دهند، لیکن با کمک دسته ای شبه نظامی متشکل از اهالی محلی به عقب رانده شدند. در اوایل آوریل شورش فروکش کرد. میرحسن خان دوباره به ایران پناه آورد. تضاد شدید طبقات مختلف مردم، سوءاستفاده سران شورشی از این حرکت و پاره ای مسائل دیگر سبب شکست این قیام

شد (د.آ.، همانجا).

در 1837/1253 منطقه تالش، «قضای لنکران» در ایالت شیروان بود (نقشه های تاریخی آذربایجان >، 1994). قضای لنکران تا 1918/1338 نیز پابرجا بود. در دوره جمهوری خلق آذربایجان (حکومت مساواتها؛ 1336-1339 (1300 ش / 1918-1921) نیز تالش همچنان قضای لنکران نامیده می شد. تا پیش از جنگ جهانی دوم، تالش به شش ناحیه اداری به نامهای آستاراخان بازار، ماسالی، یاردیمی، لریک، لنکران و آستارا تقسیم می شد (اطلس جمهوری آذربایجان شوروی >، 1963). پس از سقوط کمون باکو در 1918/1336، انقلابیون ارتش سفید با حمایت اقشار مختلف روستاهای روسیه (دینیکها و کمیته ملی روس باکو) در لنکران و مغان «حکومت مغان» را تشکیل دادند. این حکومت برای دینیکها پایگاه تشکیل حکومت آینده سفیدها در قفقاز جنوبی بود. در اوایل دوره ای که حکومت شوروی، قفقاز را اشغال کرد، مردم منطقه تالش برای مبارزه، جمهوری شوروی مغان (جمهوری شوروی لنکران) را تشکیل دادند. این جمهوری در 24 رجب 1337/25 آوریل 1919 تأسیس شد و تا 28 رمضان / 27 ژوئن همان سال دوام یافت. تعدادی از دهقانان و کارگران مغان به رهبری بلشویکها برای تشکیل حکومت شوروی و سرنگونی حکومت مغان مبارزه می کردند. کمیته باکو و تشکیلات بلشویکی «عدالت» و «همت» وابسته به کمیته مملکتی قفقاز از حزب کمونیست (بلشویک) روسیه، این مبارزه را رهبری و به آن کمک می کرد، از جمله در لنکران ایستگاه رادیویی مخفی تأسیس و تشکیلات حزبی برپا شده بود. در 13 رجب / 25 آوریل، بلشویکها حکومت مغان را سرنگون کردند و اداره امور را به دست گرفتند (د.آ.، ج 7، ص 84).

در بیستم رجب 1336/ دوم مه 1918 کنگره شورای نمایندگان کارگران و دهقانان در شهر لنکران تشکیل شد و بر اساس مصوبات آن مقرر گردید که جمهوری شوروی مغان به مرکزیت لنکران تشکیل شود. این جمهوری دارای نهادهایی مشتمل بر کمیته اجرایی، شورای اقتصاد، کمیسیون فوق العاده، کمیته جنگ، شعبات امور خارجه، دادگستری، امور داخله، فرهنگ مردم و دارایی بود. برخی از اقدامات این جمهوری عبارت بود از مصادره اراضی مالکی و تقسیم آن بین دهقانان و زحمتکشان، تأسیس کمیته های دهقانی، نشر پول و تشکیل قوای مسلح. جمهوری شوروی مغان، حکومت مساواتها را — که بر سایر نقاط آذربایجان حکفرمایی می کرد — به رسمیت نشناخت و تقریباً چهار ماه در مقابل هجوم مخالفان مقاومت کرد. کارگران باکو و روسیه شوروی با ارسال جنگ افزار و نیرو و رهبران حزبی، به جمهوری مغان کمک می کردند. مخالفان که در اواسط ژوئن به مبارزان شوروی در لنکران هجوم آورده بودند، شکست خوردند ولی در پنجم رمضان / پانزدهم ژوئن مجدداً حمله کردند. بلشویکها در مقابل حملات تاب نیاوردند، تعدادی از آنان به جزیره ساری عقب نشینی کردند و انگلیسیها و روسهای سفید عده ای را دستگیر و در آشوراده تیرباران کردند. سرانجام حکومت جمهوری شوروی مغان سرنگون شد و در چارچوب جمهوری دموکراتیک آذربایجان قرار گرفت. پس از برقراری حکومت جمهوری شوروی در آذربایجان در 1338-1339/1920، اراضی جمهوری شوروی مغان نیز جزو آنجا شد (همانجا).

بعد از الحاق رسمی خانات تالش به روسیه تزاری بر اساس عهدنامه گلستان، و لغو خانات تالش در 1241-1242/1826، نام تالش دیگر به کار برده نشد. پس از فروپاشی اتحاد شوروی در 1370 ش / 1991 و استقلال جمهوری آذربایجان، نامهای جغرافیایی تاریخی و قدیمی، از جمله بیلقان و گنجه، احیا شد، اما به جهت حساسیت حکومت آذربایجان نسبت به تالشها — که ایرانی الاصل بودند و زبان آنان ترکی نبود — ناحیه تالش را که تاریخی بسیار کهنتر از تاریخ ترکان قفقاز جنوبی دارد، در نظام اداری جمهوری آذربایجان، «ناحیه اقتصادی لنکران» خواندند (اطلس جمهوری آذربایجان شوروی >، 1963).

در قانون اساسی جمهوری آذربایجان (مصوب 1374 ش / 1995)، اقلیتهای قومی ساکن در این جمهوری به طور رسمی مطرح نشده است. اعلام زبان آذربایجانی به عنوان زبان رسمی جمهوری در قانون اساسی (جمهوری آذربایجان. قوانین و احکام، ص 11) و ذکر نکردن اقلیتهای شایان توجهی چون تالشها و تاتها و کردها، و اقلیت لرگی ساکن در شمال و شمال غربی جمهوری آذربایجان که پیوستگی قومی با ساکنان داغستان دارند، اعتراض شدید تالشها و لرگیها را برانگیخت، به طوری که لرگیها از اعزام سرباز به جبهه های قره باغ خودداری کردند و تالشهای آستارا و لنکران خواستار به رسمیت شناخته شدن زبان و فرهنگ تاتی — تالشی در قانون اساسی آذربایجان شدند. پس از آغاز جنگ آذربایجان و ارمنستان (1371 ش / 1992) و ضعف حکومت مرکزی در اداره امور، وضع بحرانی شد. در 22 مرداد 1372/13 اوت 1993 علی اکرم همت اف، افسر شورشی که نواحی جنوبی جمهوری آذربایجان را از دوماه قبل به عنوان جمهوری تالش و مغان اعلام کرده بود، خود را رئیس جمهور این منطقه معرفی کرد (مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال 1، ش 1، ص 325، سال 2، ش 2، ص 279-280). این بحران تا آغاز دوره ریاست جمهوری حیدر علی یف ادامه داشت. علی یف پس از به دست گرفتن قدرت، نیروهای نظامی جنبش تالش را سرکوب کرد و این نیروها به لنکران گریختند (همان، سال 2، ش 3، ص 355).

منابع: شیرین آکینر، اقوام مسلمان اتحاد شوروی، ترجمه محمدحسین آریا، تهران 1367 ش؛ حسن پیرنیا، ایران باستان، یا تاریخ مفصل ایران قدیم، تهران 1369 ش؛ جمهوری آذربایجان. قوانین و احکام، قوانین و آئین نامه های مربوط به توسعه فعالیت سرمایه گذاری در جمهوری آذربایجان، [تهران: سفارت جمهوری آذربایجان، 1998]؛ ایگور میخائیلوویچ دیاکونوف، تاریخ ماد، ترجمه کریم کشاورز، تهران 1357 ش؛ احمد کسروی، کاروند کسروی، چاپ یحیی ذکا، تهران 1352 ش؛ مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال 1، ش 1 (تابستان 1371)، سال 2، ش 2 (پاییز 1372)، سال 2، ش 3 (زمستان 1372)؛ ژاک ژان ماری دو مورگان، هیئت علمی فرانسه در ایران: مطالعات جغرافیایی، ترجمه و توضیح کاظم ودیعی، تبریز 1338-1339 ش؛

Atlas Azerbayjanskoy SSR, Baku: Akademiya Nauk Azerbayjanskoy SSR, Institut Geografiya, Baku 1963; A & b r v b a r ; z a r b a & b r v b a r ; y j a & b r v b a r ; n Sa & b r v b a r ; v e t E n s i k l o p e d i y a & b r v b a r ; s i , B a k u 1976-1987; Az r b a y c a n R e s p u b l i k a s i n i n i q t i s a d i v s o s i a l c o g & s e c t ; r a f i y a s i , b y N . y r t m n , 1993; Az r b a y c a n t a r i x i x r i t l r i , B a k u : A z r b a y c a n E n s i k l o p e d i y a s & a c i r c ; , 1994; Azerbayjanskaya : Allahverdiyev et al. , Baku Respublika spravoc & s e c t ; n a y a o b s h e g e o g r a f i c & s e c t ; e s k a y a k a r t a , s c a l e 1 : 5 0 0 , 0 0 0 , B a k u : G o s k o m g e o d e z i y a A z e r b a y j a n s k o y R e s p u b l i k i , 1992; Budaq Budaqov and Yaqub Q ribli, Az r b a y c a n R e s p u b l i k a s i n i n f i z i k i c o g & s e c t ; r a f i y a s i , B a k u 1994; Sh.A. Ghuliyev, Azarbayjanda chaltikchilik: tarixi etnografik tadghighat , Baku 1977; T.T. Veliyev, XX Asrin avvalinda Azarbayjanin ipak e'mali sanayesi (1900-1917 yillar) , (Baku 1977. (taleshan.com

منبع: دانشنامه جهان اسلام